

یاران روحانی با تقدیم الله ابهی و با تبریک به مناسبت فرارسیدن عید مبارک صیام و عید نوروز و با امید به قبولی طاعات و عبادات پیشنهاد می‌گردد در صورت امکان به گونه ای برنامه ریزی فرمائید که در این آغازین لحظات سال جدید، امکان استفاده از برنامه های هنری "با توجه به امکانات محلی" فراهم گردد

اوقاتی مملو از سرور جان و روان برایتان آرزو مینمائیم

حضرت عبدالبهاء میفرمایند:
خوش ترین روز نوروزی است که جان نو بخشد و راه پروردگار نموده گردد.

یاران پارسی، ص ۲۶۹

بزرگداشت عید مبارک صیام و نوروز دل انگیز

- ۱- مناجات شروع
- ۲- لوح مبارک نوروز
- ۳- بیان مبارک حضرت بهاءالله
- ۴- بیان مبارک حضرت اعلی
- ۵- قسمت هایی از سخنرانی حضرت عبدالبهاء در نوروز ۱۲۹۱ خورشیدی در مصر
- ۶- نوروز در قلعه ماکو

۱- مناجات شروع

ای پروردگار این دوستان یاران تو اند و سرمست پیمانۀ پیمان تو. همه پرورده آغوش بخششند و شیر خوار پستان دَهِش خداوند آفرینش، اگر مستمندند ولی هوشمندند، اگر ناتوانند ولی زور مندند، چه که تو پشتیبانی، تو یاور مهربانی، در جهان کیهان سربلند نما و در ایوان یزدانی جای بده. در انجمن بالا روسفید فرما و روز نوروز را فیروز کن. توئی توانا، توئی بینا، توئی شنوا، توئی بیهمتا، توئی مهربان.

أَنَا الْأَقْدُسُ الْأَعْظَمُ الْأَبْهَى

لَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي بِمَا جَعَلْتَ هَذَا الْيَوْمَ عِيداً لِلْمُقَرَّبِينَ مِنْ عِبَادِكَ وَالْمُخْلِصِينَ مِنْ أَحِبَّتِكَ وَسَمَّيْتَهُ بِهَذَا الْأَسْمِ الَّذِي بِهِ سَخَّرْتَ الْأَشْيَاءَ وَفَاحَتْ نَفَحَاتُ الظُّهُورِ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ وَبِهِ ظَهَرَ مَا هُوَ الْمَسْطُورُ فِي صُحُفِكَ الْمُقَدَّسَةِ وَكُنْتُكَ الْمُنَزَّلَةَ وَبِهِ بَشَّرَ سُفْرَاؤُكَ لِيَسْتَعِدَّ الْكُلُّ لِلِقَائِكَ وَالتَّوَجُّهُ إِلَى بَحْرِ وَصَالِكَ وَيَحْضُرُوا مَقَرَّ عَرْشِكَ وَيَسْمَعُوا نِذَاءَكَ الْأَحْلَى مِنْ مَطْلَعِ غَيْبِكَ وَمَشْرِقِ ذَاتِكَ. أَحْمَدُكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي بِمَا أَظْهَرْتَ الْحُجَّةَ وَأَكْمَلْتَ النُّعْمَةَ وَاسْتَقَرَّ عَلَى عَرْشِ الظُّهُورِ مَنْ كَانَ مُدِلًّا بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَحَاكِيًّا عَنْ فِرْدَانِيَّتِكَ وَدَعَوْتَ الْكُلَّ إِلَى الْحُضُورِ. مِنَ النَّاسِ مَنْ تَوَجَّهَ إِلَيْهِ وَفَارَزَ بِلِقَائِهِ وَشَرِبَ رَحِيقَ وَحْيِهِ أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِكَ الَّذِي غَلَبَ الْكَائِنَاتِ وَبِفَضْلِكَ الَّذِي أَحَاطَ الْمُمْكِنَاتِ بِأَنْ تَجْعَلَ أَحِبَّتَكَ مُنْقَطِعِينَ عَنْ دُونِكَ وَمُتَوَجِّهِينَ إِلَى أَفْقِ جُودِكَ ثُمَّ أَيَّدَهُمْ عَلَى الْقِيَامِ عَلَى خِدْمَتِكَ لِيُظَهَّرَ مِنْهُمْ مَا أَرَدْتَهُ فِي مَمْلَكَتِكَ وَيَرْتَفِعَ بِهِمْ رَايَاتُ نُصْرَتِكَ فِي بِلَادِكَ. إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْمُتَعَالِي الْمُهَيِّمُ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ. أَحْمَدُكَ يَا إِلَهِي بِمَا جَعَلْتَ السُّجْنَ عَرْشاً لِمَمْلَكَتِكَ وَسَمَاءً لِسَمَوَاتِكَ وَمَشْرِقاً لِمَشَارِقِكَ وَمَطْلِعاً لِمَطَالِعِكَ وَمَبْدَئاً لِفِيوضَاتِكَ وَرُوحاً لِأَجْسَادِ بَرِّيَّتِكَ. أَسْأَلُكَ بِأَنْ تُوفِّقَ أَصْفِيَاءَكَ عَلَى الْعَمَلِ فِي رِضَائِكَ ثُمَّ قَدِّسْهُمْ يَا إِلَهِي عَمَّا يَتَكَدَّرُ بِهِ أَذْيَالُهُمْ فِي أَيَّامِكَ أَيُّ رَبِّ تَرَى فِي بَعْضِ دِيَارِكَ مَا لَا يُحِبُّهُ رِضَاؤُكَ وَتَرَى الَّذِينَ يَدْعُونَ مَحَبَّتَكَ يَعْمَلُونَ بِمَا عَمِلَ بِهِ أَعْدَاؤُكَ أَيُّ رَبِّ ظَهَرَهُمْ بِهَذَا الْكَوْثَرِ الَّذِي ظَهَّرْتَ بِهِ الْمُقَرَّبِينَ مِنْ خَلْقِكَ وَالْمُخْلِصِينَ مِنْ أَحِبَّتِكَ وَقَدِّسْهُمْ عَمَّا يَضِيغُ بِهِ أَمْرُكَ فِي دِيَارِكَ وَمَا يَحْتَجِبُ بِهِ أَهْلُ بِلَادِكَ. أَيُّ رَبِّ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمُهَيِّمِ عَلَى الْأَسْمَاءِ بِأَنْ تَحْفَظَهُمْ عَنِ اتِّبَاعِ النَّفْسِ وَالْهَوَى لِيَجْتَمِعَ الْكُلُّ عَلَى مَا أَمَرْتَ بِهِ فِي كِتَابِكَ ثُمَّ اجْعَلْهُمْ أَيَادِي أَمْرِكَ لِتَنْتَشِرَ بِهِمْ آيَاتُكَ فِي أَرْضِكَ وَظُهُورَاتُ تَنْزِيهِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلَى مَا تَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمُهَيِّمُ الْقَيُّومُ.

رساله ایام تسعه صفحه ۳۴۹

۳- بیان مبارک حضرت بهاء الله

"یا قلم الاعلی، قُلْ یا ملاء الانشاء قد کتَبنا علیکم الصیام ایاماً معدودات و جَعَلنا النّیروز عیداً لکم بعد اکمالها کذلک أَصَائِتْ شَمْسُ الْبِیَانِ مِنْ أَفْقِ الْکِتَابِ مِنْ لَدُنْ مَالِکِ الْمَبْدَأِ وَالْمَأْبُ

کتاب اقدس، آیه ۴۰

مضمون: ای قلم اعلی، بگو ای ملاً انشاء، ایام معدودی را به صیام (روزه داری) بر شما نوشتیم و بعد از اكمال آن، نوروز را عید برای شما قرار دادیم. چنین روشن کرده است آفتاب بیان از افق کتاب از جانب مالک مبدأ و مأب.

۴- بیان مبارک حضرت اعلی

خداوند عالم در میان ایام یومی را منسوب به خود فرموده و آن را یوم الله خوانده و آن یومی است که شمس منتقل می گردد از بُرج حُوت به حَمَل. در حین تحویل چه لیل واقع شود، چه نهار، سزاوار است که اقل از عدد واحد آلاء نباشد و فوق مُستغاث و کلّ این ظهورات از برای اینکه در یوم مَن یُظهِرُهُ اللهُ که یوم اوّل، یوم اوست و مَثَل او مثل شمس است در نهار به او هدایت یافته.

ایام تسعه صفحه ۳۴۶

۵- قسمت هایی از سخنرانی حضرت عبدالبهاء در نوروز ۱۲۹۱ خورشیدی در مصر چون در روز نوروز از برای ایرانیان امور عظیمه ای واقع شد، لهذا ملت ایران یوم نوروز را فیروز دانستند و آن را عید ملی قرار دادند. فی الحقیقه این روز بسیار مبارک است زیرا بدایت اعتدال ربیعی و اول بهار جهت شمالست و جمیع کائنات ارضیه چه اشجار، چه حیوان، چه انسان، جان تازه ای یابد و از نسیم جان پرور، نشاطی جدید حاصل کند. حیاتی تازه یابد و حشر و نشر بدیع رخ بگشاید. زیرا فصل ربیع است و در کائنات حرکت عمومی بدیع. و چون روز مبارکی است نباید آنروز را مهمل گذاشت، بی نتیجه نمود، که ثمر آنروز محصور در سرور و شادمانی ماند. در چنین یوم مبارکی باید تأسیس مشروعی گردد که فوائد و منافع آن از برای ملت دائمی ماند تا در السن و تاریخ مشهور و معروف گردد که مشروع خیری در فلان روز عید تأسیس یافت. پس باید دانایان تحقیق و تحرّی نمایند که احتیاج ملت در آن روز به چه اصلاحی است و چه امر خیری لازم و وضع چه اشی از اساس سعادت ملت واجب تا آن اصلاح و آن امر خیر و آن اساس در آن روز تأسیس گردد. مثلاً اگر ملاحظه کنند که یک ملت محتاج تحسین اخلاق است اساس تحسین اخلاق را در آن روز تأسیس کنند. ملت اگر احتیاج به انتشار علوم دارد و توسیع دائره معارف لازم، در آن روز در این خصوص قراری بدهند یعنی افکار عموم ملت را مُنعطف به آن امر خیر کنند و اگر چنانچه ملت احتیاج به توسیع دائره تجارت یا صنعت یا زراعت دارد، در آن روز مباشرت و سائلی نمایند که مقصود حاصل گردد. یا آنکه ملت محتاج به صیانت و سعادت و معیشت آیتام است از برای سعادت ایتام قراری بدهند و قس علی ذلک، تأسیساتی که مفید از برای فقرا و ضعفا و درماندگان است تا در آن روز از الفت عموم و اجتماعات عظیمه نتیجه ای حاصل گردد و میمنت و مبارکی آن روز ظاهر و آشکار شود.

۶- نوروز در قلعه ماکو

ملاً حسین در چهارمین نوروز پس از اظهار امر حضرت باب، هنگامی که حضرت باب در قلعه ماکو مسجون بودند، به حضور مولای محبوبش مشرف شد. ملاً حسین برای تشرف به حضور حضرت باب در ماکو از خراسان به طهران رفت و پس از تشرف به حضور حضرت بهاءالله عازم آذربایجان گردید. ملاً حسین نذر کرده بود تمام راه مشهد تا قلعه ماکو را پیاده طی نماید. حضرت باب دم در قلعه ایستاده بودند. پس از دیدار ملاً حسین وی را در آغوش گرفته و دست وی را در دست خود گذاشتند و همراه ملاً حسین به اطاق مبارک تشریف بردند و امر فرمودند که مراسم نوروز (مارچ ۱۸۴۸ میلادی، نوروز ۱۲۲۷ شمسی) در حضور مبارک برگزار شود و به اصحاب اجازه تشرف دادند. از میوه ها و شیرینی ها به دست مبارک خویش به حاضران عنایت فرمودند. ملاً حسین نه روز پس از نوروز از محضر مبارک مرخص و به امر آن حضرت عازم مازندران گردید و حضرت باب دیگر وعده تشرف را در این عالم به جناب ملاً حسین نفرمودند.